

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

# ایسکرا ۵۶۴

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: عبدال گلپریان

۱۰ فروردین ۱۳۹۰، ۳۰ مارس ۲۰۱۱

چهارشنبه ها منتشر میشود

## مصاحبه ایسکرا با محمد آسنگران در مورد روز جهانی کارگر سال ۱۳۹۰



**ایسکرا:** درست يك ماه به یازده اردیبهشت (اول مه) روز جهانی کارگر مانده است. طی یکسال گذشته تعرض به سطح معیشت کارگران و مردمی که سه برابر زیر خط فقر زندگی می کنند و مسئله حذف یارانه ها و دهها معضل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دیگر قبل از هر چیز و هر کس کارگران و خانواده های کارگری را که اکثریت مردم جامعه را تشکیل می دهند زیر منگنه قرار داده است. با توجه به این شرایط رفتن به استقبال این روز را چگونه می بینید؟

**محمد آسنگران:** رفتن به استقبال این روز تماما بستگی به درک و اقدام فعالین و تشکلهای کارگری و احزاب و سازمانهای چپ دارد. یعنی به هر درجه ای که فعالین و تشکلهای فوق اهمیت سیاسی این روز را در شرایط فعلی

صفحه ۲

## منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی جنبش سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی باید پرچم خود را برافرازد!



و بویژه در دوساله اخیر با خواست خلاصی از شر جمهوری اسلامی قدم بمیدان مبارزه گذاشته و در سازماندهی تظاهرات خیابانی، اعتراضات محلی، برپاداشتن اعتراضات شبانه، و درگیری و جنگ و گریز خیابانی با نیروهای سرکوبگر و مزدوران حکومتی نقش موثری ایفا کرده اند، همه کسانی که در شبکه های اجتماعی اینترنت برای سرنگونی حکومت همصدا و هم نظر و همراه میشوند و بخود سازمان میدهند، و همه نیروها و

بود. جنبشی که بارها حضور خود را با اعلام حکومت اسلامی نمیخواهیم و مرگ بر خامنه ای، مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی، و یا آتش زدن عکس خمینی و خامنه ای در شورشهای شهری و در تظاهراتهای خیابانی اعلام کرده است. همه کارگران و زنان و جوانانی که در مقاطع مختلف علیه جمهوری اسلامی دست مبارزه زده اند، همه توده های مردم انقلابی که در برآمدهای مختلف جنبش سرنگونی

مدتهاست مردم ایران اعلام کرده اند که جمهوری اسلامی باید برود. مدتهاست برای سرنگونی جمهوری اسلامی جنبش وسیعی در عرصه های مختلف جامعه در جریان است، جنبش عظیمی که خیزش میلیونی ۸۸ يك نقطه اوج آن

صفحه ۲

## جنبش آزادی زن در کردستان عراق



عبدال گلپریان

میدان آزادی این شهر، مشعل این حرکت اعتراضی را همچنان شعله و رنگ داشته اند.

صفحه ۴

حاکمان ناسیونالیست کرد و در اس آنها احزاب بارزانی و طالبانی به خیابانها آمده اند. در شهر سلیمانیه با تجمع و گردهمایی هر روزه در

بیش از چهل روز است که مردم آزادیخواه و برابری طلب شهرهای کردستان عراق در اعتراض به

اعتراض و مبارزه زنان در کردستان عراق شایسته بیشترین حمایتها است  
صفحه ۴

گشته و زخمی شدن ۱۰ نفر از کارگران موزی توسط ماموران رژیم اسلامی  
صفحه ۵

جان هوتن کیان در خطر است

صفحه ۵

## رژیم تصمیم به اعدام شیرکو معارفی در اول مه گرفت



شیرکو معارفی

بازداشت اداره اطلاعات و زندان شهر سقز است و به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و محاربه به اعدام محکوم شده است.

جنایتکاران اسلامی تنها به سرکوبهای خیابانی و نظامی کردن شهرها و شکنجه و تجاوز در زندانها اکتفا نکرده و تلاش می کنند با اعدام زندانیان، مردم را مرعوب کنند. تصمیم به اعدام آنهم در یازده اردیبهشت که کارگران و مردم به برپائی مراسم و تجمعات اعتراضی دست میزنند، هدف سیاسی رژیم از اعدام ها را بی پرده مقابل جامعه میگذارد. سال ۸۸ نیز که کارگران وسیعا به استقبال اول مه میرفتند، اول صبح دلار را داری را اعدام کردند  
صفحه ۵

دادگاه اسلامی سقز حکم اعدام شیرکو معارفی را تایید کرده و طبق تصمیم این دادگاه قرار است در روز ۱۱ اردیبهشت این حکم اجرا شود. بهمن معارفی (شیرکو معارفی) ۳۱ ساله اهل بانه در تاریخ ۱۰ آبان سال ۸۷ دستگیر و از آنزمان تا کنون در

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی ...

از صفحه ۱



سازمانها و احزابی که هدف انقلاب و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را دنبال میکنند متعلق به این جنبش سرنگونی طلبانه مردم اند. جنبشی که عزم جزم کرده است بقدرت انقلاب و قیام کل نظام ضد انسانی جمهوری اسلامی را بزیر بکشد. این جنبش تماما در تمایز و تقابل با خط استحاله و مرمکتکاری رژیم، پرهیز از "ساختارشکنی" و تلاش برای بازگشت به دوره خمینی و اعاده قانون اساسی قرار دارد. این جنبش باید خودآگاه شود، اهداف و شیوه های مبارزه خود را بروشنی بشناسد و اعلام کند، و با قدرت و صلابت علیه حکومت و نظام جمهوری اسلامی بیدان بیاید.

منشور زیر پرچم و سند هویت این جنبش سرنگونی طلبانه و انقلابی مردم است. این منشور گامی است در جهت شفاف و متحد و منسجم کردن صف اعتراضات و مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی. این منشور همچنین محکمی است برای ارزیابی همه نیروهای مدعی مبارزه با جمهوری اسلامی، و افشا و خنثی کردن تلاشهایی که از جانب نیروهای شبه اپوزیسیون رژیم و اصلاح طلبان حکومتی و غیر حکومتی برای حفظ نظام جمهوری اسلامی صورت میگیرد.

حزب کمونیست کارگری خود را به مبارزه برای تحقق این منشور و اجرای مفاد آن متعهد میداند. ما همانطور که بروشنی در برنامه و سایر مصوبات و اسناد حزبی اعلام شده، خواهان زیر کشیدن حکومت و نظام جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم، دخالت آزاد، آگاه و مستقیم مردم در حکومت، و برپائی جمهوری سوسیالیستی هستیم. جمهوری سوسیالیستی نه تنها فوراً مفاد و اهداف اعلام شده

اعاده قدرت ارتجاع در اشکال دیگر، ممانعت از هر نوع بند و بست و مهندسی قدرت از بالای سر مردم، و برای ایجاد شرایطی که مردم بتوانند آگاهانه، آزادانه و در شرایط امن نظام حکومتی آتی را تعیین کنند برای تحقق اهداف زیر پیگیرانه مبارزه میکنند.

۱- آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی  
۲- لغو مجازات اعدام.  
۳- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی. لغو فوری همه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان.  
۴- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد  
۵- اعلام و تضمین آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب

۶- برسمیت شناسی حقوق مسواری برای همه شهروندان کشور مستقل از مذهب، زبان، قومیت، جنسیت، ملیت و تابعیت  
۷- حسابرسی مالی از کلیه مقامات حکومت و وابستگانشان و همچنین کلیه موسسات و بنیادهای مذهبی، اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی. مصادره اموالی که این مقامات و موسسات از راه دزدی و غارت اموال مردم تصاحب کرده اند و صرف آن در خدمت رفاه همه افراد جامعه

۸- تامین فوری مبرم ترین نیازهای رفاهی جامعه. افزایش فوری دستمزد و حقوق متناسب با سطح هزینه ها و منطبق با آخرین استانداردهای زندگی امروز. رایگان کردن فوری طب و آموزش و پرورش.

ضامن تحقق اهداف فوق  
قدرت مردم است. مردمی که با انقلاب خود جمهوری اسلامی را سرنگون کرده اند باید متحد و متشکل به حضور فعال در عرصه سیاست ادامه دهند، هر نیروی مانع تحقق اهداف فوری فوق و کل خواستهای انقلاب را کنار بزنند و اداره امور را خود در دست بگیرند.

\*\*\*

## مصاحبه ایسکرا با محمد آسنگران ...

از صفحه ۱

۸۸ که حاوی مطالبات اساسی جنبش کارگری برای جامعه بود به گوششان رسید.

همین کافی بود که امید به تغییر بیش از پیش در جامعه تقویت شود. امسال با توجه به اتفاقات کشورهای اطراف و با توجه به اینکه خود مردم ایران قبل از این کشورها طلایه دار این حرکت نوین بوده اند، ممکن است ابعاد تحرك در روز جهانی کارگر بسیار فراتر از سالهای قبل باشد. این موضوع که مردم ایران قبل از کشورهای منطقه حرکت برای تغییر را آغاز کردند و هنوز نتوانسته اند کار را تمام کنند، امسال میتوان انتظار داشت که اول مه روز جهانی کارگر سال ۹۰ شمسی به نقطه عطفی در این زمینه تبدیل شود. همچنانکه سال ۸۸ يك ماه قبل از انتخابات خرداد، کارگران حرکت را در ۱۱ اردیبهشت استارت زدند. اما حرکت اعتراضی توده ای مردم در خرداد ماه و بعد از انتخابات آغاز شد. امسال به طریق اولی این موضوع مهمتر، عینی تر و قابل حصولتر به نظر میرسد.

با توجه به فاکتورهای فوق من فکر میکنم فعالین و رهبران جنبش کارگری علیرغم تفاوتهای سیاسی و فکری که با همدیگر دارند، اگر روح زمان خود را دریابند میتوانند حرکتی متحدانه و مبتکرانه را سازمان بدهند. فعالین و رهبران کارگری میتوانند و ضرورت دارد که به عنوان تنها آرتانایو صلاحیتدار و حق به جانب جامعه علیه فقر و برای رهایی کل جامعه ابراز وجود کنند.

در این دوره این درک و این سیاست کلید پیشروی و ضامن پیروزیهای بیشتر در آینده کشور است. اینکه چقدر و چند درصد فعالین و رهبران کارگری با این درک و با این ضرورت خود را محق و فعال و رهبر و سخنگوی جامعه معرفی میکنند و پا به عرصه مبارزه علیه فقر تحمیل شده به جامعه و به عنوان پرچمدار رهایی کل جامعه به میدان می آیند امری است که از هم اکنون قابل پیش بینی نیست. اما ضرورت آن بیش از پیش

کشور و منطقه متوجه باشند و خود را با آن همساز بدانند به همان درجه این روز در اذهان جامعه جایگاه پیدا میکند. البته طبق معمول مانع اصلی برای راه اندازی يك حرکت توده ای در این روز همچنان جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوبش هستند. اما ایران کشوری است که سالها است به چهار راه حوادث و اتفاقات منطقه تبدیل شده است. سازمانها و احزاب چپ و بویژه جنبش کارگری و فعالین آن با درک و اهمیت اوضاع سیاسی اخیر در ایران و کل منطقه باید به میدان بیایند. مخصوصا فعالین و رهبران جنبش کارگری در این شرایط بیش از همیشه ضرورت دارد که نه تنها به عنوان فعال کارگری و سخنگوی کارگران در طرح خواسته های صنفی و اقتصادی، بلکه به عنوان سخنگویان جامعه علیه شرایط فقر زده موجود و برای رهایی جامعه از این تنگنا باید پا به میدان بگذارند. اگر روح این اوضاع به درک مشترك بخش قابل توجهی از فعالین کارگری تبدیل شود من فکر میکنم علیرغم موانع و سیاستهای سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی جامعه تکان جلدی میتواند بخورد.

اقدام مشترك پارسال ده تشکل کارگری در ایران با وجود مانع تراشی و دستگیری و پرونده سازی علیه فعالین کارگری تجربه مهمی بود و باید این الگو را وسیعتر و همه جانبه تر پیش برد.

تجربه مهم دیگر روز جهانی کارگر سال ۸۸ بود که پیش درآمدی شد که جامعه تکانی بخورد. بعد از این اتفاق بود که در فرصت مناسب این انتخابات ریاست جمهوری رژیم اسلامی و تشدید جنگ جناحهای رژیم علیه همدیگر، مردم در ابعادی توده ای و حتی میلیونی فرصت را غنیمت شمرده و به میدان آمدند. ممکن است آن میلیونها نفری که به خیابان آمدند اکثریت قریب به اتفاقشان حتی اخبار روز جهانی کارگر يك ماه قبلتر را هم نشنیده بودند، اما بخش موثر و الیت جامعه پیام کارگران و بیانیه اول مه

## مصاحبه ایسکرا با محمد آسنگران...

از صفحه ۲

احساس میشود. این امر مهم اکنون روی میز هر فعال کارگری و هر انسان آزادیخواه و چپ و کمونیستی قرار گرفته است. به طریق اولی این وظیفه هر عنصر کمونیستی است که در راستای جواب گویی به این نیاز تلاش کند. به هر درجه و هر کس که به این ضرورت پاسخ گو باشد به همان درجه میتواند توجه جامعه را به خود جلب و در آینده سیاسی ایران نقش ایفا کند. این امری نیست که از اول تعیین تکلیف شده باشد. این صفحه نانوشتی را باید نوشت. در ضمن همینجا لازم به تاکید است که فقط با تکرار حرفهای به اصطلاح رادیکال نمیتوان این نقش را ایفا کرد. زیرا رادیکال بودن ضروری است اما تمام شرایط لازم برای پاسخ گویی به نیازهای این دوره را نمیتوان با رادیکالیسم جواب داد. یک شرط عمده برای بازی کردن در این میدان، نشان دادن قدرت و به میدان آوردن بخش قابل توجهی از همین مردم فقر زده است. اگر رادیکالیسم و سازش ناپذیری امری است طبقاتی و مربوط به فهم و درک درست از اوضاع سیاسی و درجه تعلق و تعهد به راهی جامع، به میدان آوردن مردم یک هنر و درجه سیاسی بودن و جدی بودن هر فعال کارگری و سیاسی در امر رهایی جامعه را نشان میدهد.

**ایسکرا:** با توجه به سیر اوضاع و رویدادهای سیاسی و انقلابی در کشورهای عربی، فضایی از توقعات رادیکال و انقلابی در منطقه بوجود آمده است. قطعاً باید اوضاع جاری چه در منطقه و چه در خود ایران که پیشینه دیرینه تری در اول مه های باشکوه و در اعتراض و مبارزه علیه رژیم اسلامی داشته است، تاثیر چشمگیری بر خواست و مطالبات کارگران داشته باشد. با توجه به فقر و فلاکت بی حد و حصر، نقطه امید برای تقویت حرکتهای اعتراضی کارگری و مشخصاً در اول مه امسال را چگونه ارزیابی می کنید؟

**ایسکرا:** به روز یازده اردیبهشت یا اول مه برگردیم. هر سال به بهانه های گوناگون رژیم اسلامی به مراسمهای روز جهانی کارگر تعرض کرده است اما کارگران علاوه بر توحش رژیم اسلامی برای برهم زدن این روز، توانسته اند تجمعات خود را برگزار کنند، قطعنامه های رادیکال صادر کنند و جامعه را متوجه خواست و مطالبات انسانی خود بکنند. یک اول مه متفاوت و قدرتمند تر از همیشه در گرو چیست؟

**محمد آسنگران:** متأسفانه تحمیل فقر و وجود زندگی فلاکت بار و به قول شما بی حد و حصر، خود، یک مانع بزرگ برای به میدان آمدن

قبل باشد از همین حالا برکه بخت خود را امضا کرده است. تمام بحث من این است که جنبش کارگری و فعالین و رهبران آن باید روح زمان خود را درک کنند و به عنوان سخنگویان و نمایندگان با صلاحیت و با اعتماد بنفس و حق به جانب کل جامعه برای رهایی از این دوران سخت به میدان بیایند. فعالین و رهبران کارگری باید عملاً نشان بدهند که صلاحیت اینرا دارند که جامعه را به سمت رهایی هدایت کنند. و بلاخره نشان بدهند که برای اداره جامعه از هر کس و جنبش دیگری صلاحیت دارتر و محق تر هستند. این صلاحیت را تنها با تئوری درست و قطعنامه رادیکال به کسی نمیدهند. این صلاحیت را باید فعالین و رهبران کارگری در جریان و مسیر مبارزه کسب کنند. من نگران قطعنامه ها و بیانیه های که صادر میشود نیستم. این بیانیه ها را هر بخش و تشکل کارگری بنویسد اینقدر رادیکال هست که چندین قدم از اوضاع فعلی جلوتر خواهد بود. اما نگرانی از آنجا شروع میشود که کارگران و فعالین و رهبران کارگری هنوز با پز مطالبات صنفی به میدان بیایند و جامعه در سیمای آنها رهبران با صلاحیت خود را مشاهده نکنند. این بزرگترین اشتباهی است که میتواند اتفاق بیفتد.

**ایسکرا:** سالهای گذشته بعضاً شاهد برگزاری اول مه از سوی تشکلهای مختلف کارگری بوده ایم که در مواردی بصورت محدودی تشکلهای کارگری به تنهایی به استقبال این روز رفته اند. در مواردی هم چندین تشکل کارگری برگزاری این روز را فراخوان داده اند. نمونه فراخوان پارسل ده تشکل کارگر بود، عوامل باز دارنده در راه اندازی یک اول مه توده ای کدامها است و چگونه می توان بر ضعف و پراکنده گی در برگزاری این روز فائق آمد؟ راه حل چیست و چکار باید کرد؟

**محمد آسنگران:** اولین راه حل و چه باید کردی که در روز جهانی کارگر باید پاسخ بدهیم و جستجو کنیم این است که می خواهیم امسال به چه مشکلی جواب بدهیم. کسی ممکن است بگوید قطعنامه

رادیکال، دیگری بگوید قطعنامه و بیانیه پر ملات، آن یکی بگوید شعارهای سرنگونی و میلیتانت و غیره. من ضمن تاکید بر اهمیت همه اینها باید به صراحت بگویم که در این دوره و در دل شرایط کنونی ایران و منطقه هیچکدام از اینها را تعیین کننده نمیدانم. آنچه برای من به عنوان یک فعال سیاسی و مارکسیست مهم است درک روح زمان حاضر و پاسخ به نیازهای این زمان است. من سازمان دادن یک حرکت توده ای و همه گیر و به میدان آمدن رهبران و فعالین کارگری به عنوان سخنگویان کل جامعه را کلید پیشروی این دوره میدانم.

به این معنا اگر حتی یک قطعنامه کم ملات و یا یک بیانیه کمتر میلیتانت و بدون حتی یک شعار سرنگونی طلبانه، اما در نقد سرمایه و برای متحد کردن هر چه بیشتر کارگران و مردم معترض جامعه تدوین شود و در این راستا تلاش برای به میدان آوردن یک حرکت توده ای آغاز گردد بسیار مهمتر و سیاسی تر میدانم.

اما علاوه بر این من فکر میکنم که حرکت متحدانه ده تشکل کارگری پارسل را باید بسیار بیشتر از این گسترش داد. آنها باید از یکی دو هفته قبل از اول مه محل و ساعت تجمع کارگران و مردم معترض را به اطلاع جامعه برسانند. سبک سالهای قبل که در آخرین ساعتها و روزهای قبل از اول مه مراسمها و محل تجمع اعلام میشد دیگر جوابگو نیست. آن نوع

اقدامات مربوط به دورانهای پیشا انقلابی و غیر انقلابی بود. اکنون که بسیاری از کشورها با انقلابات آزادیخواهانه مردم مواجه شده اند. تعدادی از دیکتاتورها ساقط شده اند و دیکتاتورهای حاکم بر ایران هم به چالش طلبیده شده اند. جنبش کارگری و فعالین و رهبران آن امسال باید زودتر تصمیمات لازم را بگیرند و اطلاع رسانی کنند. باید جامعه را و کل جنبش کارگری را به اقدامی توده ای و همه گیر دعوت کرد.

مراکز شهرها و مکانهای پررفت و آمد مناسبترین محل برای تجمعات روز جهانی کارگر هستند. جریانات پرت و حاشیه ای که هیچ تصویری از مکانیسمهای جامعه در دوره های مختلف ندارند ممکن است از این حرکت وحشت داشته باشند و به اتخاذ تاکتیک های ده شصت و توصیه های بی ربط و ذهنی خود که گویا خیابان بد است و باید به کارخانه برگشت مبادرت کنند. اما این جریانات را باید به حال خودشان رها کرد همچنانکه تا کنون منشا اثری نبوده اند باید همچنان در حاشیه جامعه بمانند.

آنچه مهم است دیدن تحولات منطقه و رفتن به استقبال چنین روزی با اعتماد به نفس و با درایت بالا است. کارگر و رهبران و فعالین کارگری هزار بار از سخنگویان بورژوازی محق ترند که رهبری جامعه را به دست گیرند. این پرچم رهبری را باید جامعه در روز جهانی کارگر ببیند و رهبران لایق کارگری را رهبران خود بداند.

\*\*\*



**زنده باد اول مه  
روز جهانی کارگر**

**اساسی سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.**



## اعتراض و مبارزه زنان در کردستان عراق شایسته‌ترین حمایتها است



ناسیونالیست کرد را از زندگی خود کنار بزنند.

کمیته کردستان حزب به همه زنان مبارز و برابری طلب کردستان عراق درود می فرستد و قدم قدم از حرکت اعتراضی آنان حمایت می کند. مبارزه و حضور گسترده و چشمگیر زنان برابری طلب کردستان شایسته‌ترین حمایتها از سوی همه مردم کردستان ایران است. ما همینجا از همه مردم مبارز شهرهای کردستان ایران و همه سازمانها و جریانهای سیاسی متعهد و انسانهای شرافتمند می خواهیم که از حرکت اعتراضی مردم کردستان عراق و مبارزه پرشور زنان حمایت کنند.

زنده و پیروز باد مبارزات  
آزادیخواهانه و برابری طلبانه زنان  
در کردستان عراق  
کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۵ مارس ۲۰۱۱  
۵ فروردین ۹۰

حضور گسترده زنان در این مبارزه است. بنا به اخبار و تصاویری که اخیراً منعکس شده است، زنان بویژه در شهر سلیمانیه نقش بسیار مهمی در ادامه حرکت آزادیخواهانه در کردستان برعهده داشته اند. حضور وسیع زنان آزادیخواه و برابری طلب در تجمعات میدان آزادی، گویای این حقیقت است که احزاب ناسیونالیست حاکم بر کردستان در طی بیست سال از حاکمیتشان، مداوماً زنان را مورد تعرض سیاستها، سنت و افکار پوسیده خود قرار داده اند. قتل‌های ناموسی، حمله به خانه های امن زنان، ادامه قوانین زن ستیز دوران رژیم بعث، فرهنگ عقب مانده ناسیونالیستی و عشیره ای احزاب حاکم، بیشترین حملات را علیه زنان صورت داده است. زنان مبارز و برابری طلب در کردستان عراق حق دارند که به بیست سال دست درازی به حق و حقوقشان اعتراض کنند، حق دارند و باید برای پایان دادن به سیاست احزاب حاکم و دوش بدوش مردان و یکبار برای همیشه زن ستیزی حاکمان

بیش از یک ماه از اعتراض و مبارزه مردم آزادیخواه و برابری طلب مردم شهرهای کردستان عراق علیه احزاب ناسیونالیست حاکم بر کردستان عراق می گذرد. تجمعات و گردهمایی ها بویژه در میدان آزادی شهر سلیمانیه، تداوم دهنده طبع قلب این اعتراضات بوده است. مردم پستوه آمده از بیست سال حاکمیت سراپا فساد و چپاول احزاب حاکم، طی نزدیک به ۴۰ روز از حرکت اعتراضی خود، بارها مورد حمله نیروهای مسلح این احزاب قرار گرفته اند و بیش از دویست نفر از آنان را کشته و زخمی کرده اند و امکانات تجمعاتشان را به آتش کشیده اند اما مردم شجاع و مبارز در شهرهای کردستان عراق لحظه ای از سیاست سرکوبگرانه احزاب حاکم بخود هراسی راه نداده و همچنان راسخ و استوار به تجمعات خود تا رسیدن به همه خواستها و مطالباتشان ادامه می دهند.

آنچه که به حرکت اعتراضی مردم شهرهای کردستان عراق ویژگی خاصی بخشیده است،



حضور زنان آزادیخواه و برابری طلب در تجمعات و اعتراضات این مدت، نقطه عطف بسیار مهمی در حرکت رادیکال و آزادیخواهانه جنبش زنان در شهرهای کردستان عراق بوده است.

جنبش اعتراضی زنان در کردستان عراق، جنبشی علیه وضع موجود، علیه سرکوب و نابرابری، علیه زن ستیزی و قوانین ارتجاعی در کردستان عراق است. این جنبش در راستای خواست و مطالبات زنان تونس و مصر و دیگر کشورهای عربی است که خواهان جدایی دین از دولت و برسمیت شناسی حقوق برابر زنان و مردان شدند. شعارها، خواست و مطالبات تجمع زنان در میدان آزادی شهر سلیمانیه سند محکومیت احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق است.

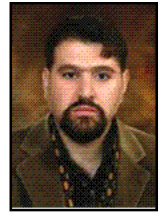
خواست و مطالبات زنان و تمامی مردم شهرهای کردستان عراق یعنی پایان دادن به بیست سال سرکوب و خفقان، یعنی برچیدن بیست سال تحمیل قوانین ارتجاعی و عقب مانده و ضد زن و افسار زدن به بیست سال رواج فرهنگ و سنن عشیره ای و ناسیونالیستی در کردستان عراق است. جنبش زنان در شهرهای کردستان عراق به میدان آمده است که قوانین احزاب اسلامی و عرف و سنن ناسیونالیست عشیره ای حاکم را از دست و پای خود بردارد. این حرکت و این جنبش دیگر قابل بازگشت به گذشته نیست

۲۹ مارس ۲۰۱۱

**در مقابل ارتجاع اسلامی نه خرده اصلاح طلبان امروز، بلکه صف کمونیسم و آزادیخواهی و مساوات طلبی کارگری، صف سکولاریسم پیگیر و ضد مذهب، صف مدرنیسم و صف رهایی بی چون و چرای زن را خواهیم یافت.**

منصور حکمت

## جان هوتن کیان در خطر است



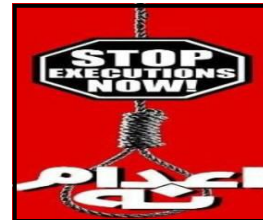
هوتن کیان

جمهوری اسلامی در محل کار هوتن کیان در تبریز، به موکلین او برگردانده شده و به آنها اعلام شده است که هوتن دیگر برنمیگردد. این خبر، نگرانی از اعدام هوتن را تشدید میکند.

میثا احدی سخنگوی کمیته های بین المللی علیه سنگسار و اعدام بار دیگر با عفو بین الملل، اتحادیه اروپا و برخی رسانه ها تماس گرفته و خواهان کمک به هوتن شده است. روزنامه تایمز لندن روز قبل مقاله ای به قلم هوگ توملینسون و مارتین فلیچر در مورد هوتن منتشر کرد و به شکنجه او در طول دوره زندانش اشاره کرد.

از همه نهادها و سازمانهای بین المللی درخواست میکنیم که جمهوری اسلامی را برای آزادی هوتن و همینطور سکینه محمدی آشتیانی تحت فشار قرار دهند و از رسانه ها میخواهیم که وضعیت هوتن و سکینه را منعکس کنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
کمیته بین المللی علیه سنگسار  
۲۶ مارس ۲۰۱۱  
۶ فروردین ۱۳۹۰



قبلا به اطلاع رساندیم که هوتن کیان وکیل سکینه محمدی آشتیانی را شفاها تهدید به اعدام کرده اند. هوتن پنج هفته قبل طی نامه ای که به کمیته بین المللی علیه سنگسار و تعداد دیگری از نهادها ارسال کرده بود، وضعیت خود را توضیح داده و از شکنجه هائی که شده، گزارشی منتشر کرده بود. کمیته بین المللی علیه سنگسار گزارش را ترجمه و به رسانه ها و نهادهای بین المللی ارسال کرد و از همگان خواست برای نجات جان او اقدام کنند. هوتن در گزارشش از جمله گفته بود که بینی و ۱۲ دندانش را با ضربه پوتین شکسته اند، حدود ۶۰ نقطه بدنش از جمله پاها و اطراف بیضه هایش را با آتش سیگار سوزانده اند، با شلنگ آتش نشانی به روی او آب ریخته و تا چهار صبح با دستبند و پابند در هوای سرد رها کرده اند و چنان گرسنگی به او تحمیل کرده اند که ۵۱ کیلو وزن کم کرده است.

طبق خبری که اخیرا به کمیته بین المللی علیه سنگسار رسیده است، پرونده هائی که هوتن وکالت آنها را بر عهده داشته است، توسط

## کشته و زخمی شدن ۱۰ نفر از کارگران مرزی توسط ماموران رژیم اسلامی



بارها مسئولین نظامی و امنیتی نیز به این قتلها که توسط نیروهای انتظامی انجام می گیرند، اعتراف کرده اند.

فشار و خشونت علیه کارگران مرزی در شرق کردستان ادامه دارد. در شهر ماکو شماری از این کارگران، به بهانه اینکه روز نوروز به شمال کردستان رفته اند، توسط ماموران رژیم اسلامی دستگیر شدند. نیروهای بسیج و سپاه پاسداران در شهر ماکو بیش از ۲۰۰ تن از کارگران مرزی این منطقه را به اداره بازرگانی سپاه احضار کردند و پس از کنترل پاسپورت و شناسنامه، کسانی را که در روز اول نوروز به ترکیه رفته بودند، بازداشت کردند. رژیم می خواهد برای کسانی که در مراسم نوروزی بایزید، آگری و شهرهای دیگر شمال کردستان شرکت کرده اند، پرونده سیاسی درست کرده و آنها را تحویل دادگاه داده تا به اتهام سیاسی محاکمه شوند. از شمار بازداشت شدگان تاکنون اطلاعی در دست نیست. \*\*\*

در اطراف روستای "مالته" از توابع شهرستان بانه، دو کارگر مرزی دیگر به نام "شیرکو امینی" و "خالد شریفی" توسط نیروهای انتظامی زخمی می شوند.

هم چنین گزارشها حاکی از آن است که روز سه شنبه دوم فروردین ماه نیز در داخل شهر مرزی نوسود نیروهای انتظامی ماشینی را به ظن حمل کالای خارجی به رگبار می بندند که بر اثر آن یک نفر به نام پورمند مدحت نیا به قتل می رسد و سه نفر دیگر به نام های هیوا محمدی، لقمان آذری و شوان سلامتسیان نیز زخمی می شوند. همزمان به دنبال جان باختن پورمند، مردم این شهر مرزی در جهت اعتراض به این جنایت با نیروهای انتظامی درگیر می شوند.

کشتار کارگران مرزی روز به روز در حال افزایش است و نه تنها نیروهای انتظامی مورد پیگیری قضایی قرار نمی گیرند بلکه خبرها از دریافت مبلغی به عنوان جریمه شلیک گلولهها از خانواده قربانیان حکایت دارد. این در حالیست که

بنا به اخبار منتشر شده طی روزهای هفته گذشته دستکم ۱۰ نفر از کارگران مرزی کشته و زخمی شدند.

در مناطق مرزی غرب کشور به بهانه مبارزه با قاچاق کالا، طی روزهای گذشته در بانه، مریوان و نوسود بر اثر تیراندازی نیروهای انتظامی طی هفته گذشته حداقل دو نفر به قتل رسیده اند و ۸ تن نیز به شدت زخمی شده اند. بر اساس همین خبر در تاریخ ۲۷ اسفند ماه ۸۸ در منطقه مرزی "بله کی" از توابع شهرستان بانه یک کارگر مرزی به نام "عزیز" توسط نیروهای انتظامی به قتل می رسد. همچنین در همین روز در منطقه مرزی "قله رشه" یک جوان دیگر توسط نیروهای انتظامی به شدت زخمی می شود. در روز شنبه ۲۹ اسفند ماه نیز در مرز "باشماخ" از توابع شهرستان مریوان تعدادی از کارگران مرزی توسط نیروهای انتظامی به رگبار بسته می شوند که در نتیجه دو نفر به نام های "جمال" و "فرشید" زخمی می شوند. در اولین روز سال نو نیز

به اعدام شیرکو یزد و با صدای بلند خواهان لغو مجازات اعدام و آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی شوند.

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۴ مارس ۲۰۱۱  
۴ فروردین ۱۳۹۰

عمومی زدند و اینبار نیز باید با اقدامی در این سطح در مقابل این تصمیم جنایتکارانه عکس العمل نشان داد.

ما همه مردم آزادیخواه بانه و سایر مردم آزادیخواه، احزاب سیاسی و نهادهای مدافع حقوق انسان را فرا می خوانیم که با اعتراض خود و دست زدن به تجمعات اعتراضی اجازه ندهند جمهوری اسلامی دست

چنان قدرتی به مقابله با آن برخاست که جنایتکاران خود مرعوب و مجبور به عقب نشینی شوند. عکس العمل سریع مردم سنندج در مقابل تصمیم رژیم به اعدام حبیب لطیفی نمونه ای از یک اقدام آگاهانه و انقلابی بود که رژیم را به عقب نشینی وادار کرد. سال قبل بدنبال گسترش اعدام، روز ۲۳ اردیبهشت مردم کردستان دست به اعتصاب

## رژیم تصمیم به اعدام شیر کو...

از صفحه ۱

تصمیم دادگاه سقز قبل از هرچیز فراخوانی به کارگران و مردم معترض است که با تمام قوا به اعدام شیرکو اعتراض کنند و خواهان لغو احکام سایر زندانیان و لغو مجازات اعدام بطور کلی شوند. هدف از اعدام ارباب جامعه است و باید با

تا با این اقدام جنایتکارانه به کارگران چنگ و دندان نشان دهند. اما شش هفته پس از اعدام دلارا میلیونها نفر به خیابانها ریختند و مبارزه برای سرنگونی حکومت اعدام و جنایت به اوج خود رسید.

**مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.**



### شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

#### سوئد:

Sweden  
Post Giro: 6396060-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین می‌توانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

#### آلمان:

Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

#### کانادا:

Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900  
Dixie Rd, Mississauga  
L4W2R1  
Account #: 843920026913

#### هلند:

Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 151350248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

#### آمریکا:

Bank of America  
G Street, Blaine, Wa 98230277  
phone # 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoush  
Account number : 99-41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
Nrsswift code : BOFAUS

#### شماره حساب انگلیس

#### ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
Account hold: wpi  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981  
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید می‌توانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

#### از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

#### کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

#### از ایران:

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

### سوسیالیسم راه نجات ما است!

۳۱ سال است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

#### مرگ بر سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!

زنده باد سوسیالیسم!  
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

### رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،  
برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،  
به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!



همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!